



مجله حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۳ - بهار ۱۴۰۴

- تحلیلی بر مقایسه تغییرات اساسی در مقررات یو.سی.پی ۵۰۰ و یو.سی.پی ۶۰۰
همایون مافی، سودابه اسدیان
عدالت قضایی در قوانین کیفری اسلام
ابوالفتح خالقی، مریم خلیل دخت
تأثیر بیماری‌های فراگیر بر گسترش تروریسم
محسن مولائی فرد، هادی مسعودی قر
بزه دیدگی زنان در خانواده: راهکارها و مبانیت حمایت کیفری از آنان
سیدعلیرضا میرکمالی، زهرا محمودی، امید زینالی
چالش‌ها و راهبردهای اجرایی شدن حجاب و عفاف
محمود حبیبی تیار، ترگس زندی علی آبادی
نقد آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
کوثر نظری، ابراهیم باقوتی
مطالعه تطبیقی اصل حسن‌نیت در حقوق ایران و فرانسه بر پایه اصلاحات ۲۰۱۶
اکبر عظیمی
واکاوی شناسایی حق بر محیط زیست در پرتو اسناد بین المللی و رویه های قضایی
مونا دوانلو
تأملی در روند هوش مصنوعی در پیشگیری از جرم
علی نجفی، سیدمحسن موسوی قر
نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان: بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی
ابوالحسن جنتی، زینب هاشمی باغی
نقد و تحلیل تطبیقی ماهیت قراردادهای هوشمند در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا
امل سلیمانی، مریم اسکندری
تحلیل تطبیقی جرم تصرف عدوانی اموال منقول در حقوق ایران و انگلستان: مبانیت، ارکان و ضمانت های اجرایی
امیرمحمد ماهرخ، سعید بابایی
صلح در حقوق ایران: تحلیل تطبیقی با دیگر راه های حل و فصل اختلافات
محمدباقر پارساپور، اعظم لطفی نیستانک
آثار حقوقی و پیامدهای استناد به قاعده ضرورت در حقوق بین‌الملل
سیدمحمدپیرام بطحایی
تحلیل جرایم مرتبط با زمین خواری در حقوق کیفری ایران و فرانسه
وحید کیومرثی
بررسی خسارت ناشی از خسارت در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رحبعلی طهرانی
مقایسه تحریم‌های یکجانبه و تحریم‌های شورای امنیت: تحلیل حقوقی و پیامدهای فرامرزی
سیدفواد علوی، علی تقی‌زاده، محمدجواد قصابی فرد
جرایم و حوادث ناشی از کار در حقوق ایران و فرانسه
سیماسوداگر
جایگاه حقوقی کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین الملل
سارا فرزادی مهر، مجتبی نظیف، قاسم مقدمیان، اسماعیل عموری
سیاست جنایی مجازات های جایگزین‌های حبس در جرایم نبروهای مسلح ایالات متحده آمریکا
امیرحسن ابوالحسنی، سیدحبیبی علوی، الهام زارع
قرارداد حمل و نقل کالا در نظام حقوقی ایران و فرانسه
مهشید سادات طبایی، فهیمه طاهرلو
استقرار قوانین هوش مصنوعی در مبارزه با پولشویی و بازیابی دارایی‌ها
علی موید احمدی، امیررضا محمودی
مالکیت مریخ در پرتو معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷ میلادی: تحلیل حقوقی تعارضات و راهکارها
مهدی قره داغی
تحلیل سیاست کیفری قانونگذار ایرانی در قبال جرایم تروریستی: چالش‌ها و راه کارها
مصطفی رضایی
تعارض اصول حاکم بر اراضی شهری با حقوق مالکانه در نظام حقوقی ایران
سیدمحمدباقر حقایقی، فرزین یزدان پناه، حمیدرضا کناری زاده
بررسی فقهی-حقوقی عدم لزوم ترتیب اثر به شرط حق طلاق زوجه در عقدنامه های نکاح
وحید پارسایی دادرس
جایگاه تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران
اصلان علیزاده، اسماعیل حسینی
اجرای آرای دیوان داوری ورزش در سطح ملی
سپیده احمدیان فرد
چبران خسارت ضرر شخصی در شبه جرم و مصادیق آن در قوانین کیفری: بررسی حقوقی و قضایی
میثم حسینی زاده
بررسی فقهی و حقوقی لجاج مصنوعی در ایران
فاطمه معزی، هانیه اکبری، هادی روستا



Challenges and Strategies for Implementing Hijab and Chastity

چالش‌ها و راهبردهای اجرایی شدن حجاب و عفاف

Mahmoud Habibi Tabar

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran (Corresponding Author)

محمود حبیبی تبار

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران (نویسنده مسئول)

m.habibitabar@gmail.com

Narges Zandi Aliabadi

PhD student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran

نرگس زندی علی آبادی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران

nargeszandi7431@gmail.com

Abstract

Hijab and chastity in Islam can be interpreted from different perspectives, and in legal interpretation and ambiguities related to hijab and chastity, due to the lack of clarity in the interpretation and implementation of some legal articles, it is considered a particular challenge in Islamic countries and also in societies where there is a Muslim minority. Since in the Quran and other Islamic sources, only the general principles of hijab and chastity are specified and more detailed laws are formulated through interpretation and ijthad, there is diversity in the interpretation of these principles among jurists and lawyers. The purpose of this research is to examine the challenges and strategies for implementing hijab and chastity in society and also to examine the 1403 Hijab and Chastity Law. Therefore, a descriptive-analytical method has been used to achieve this goal. The findings indicate that the implementation of the 1403 Hijab and Chastity Law in Iran requires the adoption of different strategies based on the social and legal structures of the country. Currently, the implementation of this law is heavily influenced by religious and cultural policies, and by this law, the levers of punishment and social education are used to reinforce Islamic hijab and chastity, while in other societies with greater cultural diversity, legal strategies are aimed at facilitating social acceptance and respect for individual rights and are focused more on dialogue and education than punishment.

Keywords: Hijab, Chastity, Hijab and Chastity Law.

چکیده

حجاب و عفاف در اسلام از دیدگاه‌های مختلفی قابل تفسیر است و در تفسیر قانونی و ابهامات مربوط به حجاب و عفاف، به دلیل عدم وضوح در تفسیر و اجرای برخی ماده‌های قانونی، چالشی ویژه در کشورهای اسلامی و نیز جوامعی که در آن‌ها اقلیت مسلمان وجود دارند، به شمار می‌آید. از آنجاکه در قرآن کریم و سایر منابع اسلامی، تنها اصول کلی حجاب و عفاف مشخص شده و قوانین جزئی‌تر از طریق تفسیر و اجتهاد تدوین می‌شوند، بین فقها و حقوقدانان تنوع در تفسیر این اصول مشاهده می‌شود. هدف از انجام این پژوهش چالش‌ها و راهبردهای اجرایی شدن حجاب و عفاف در جامعه و همچنین بررسی قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳ است. لذا در راستای دستیابی به این هدف از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده است. یافته‌ها حاکی از این است که اجرایی شدن قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳ نیازمند اتخاذ راهبردهایی متفاوت، بر اساس ساختارهای اجتماعی و حقوقی کشور است. در حال حاضر اجرای این قانون به شدت تحت تأثیر سیاست‌های دینی و فرهنگی است و مطابق با این قانون از اهرم مجازات و آموزش‌های اجتماعی برای تقویت حجاب و عفاف اسلامی استفاده می‌شود، درحالی‌که در جوامع دیگر با تنوع فرهنگی بیشتر، راهبردهای قانونی در مسیر تسهیل پذیرش اجتماعی و احترام به حقوق فردی قرار دارد و بیشتر بر گفت‌وگو و آموزش متمرکز است تا مجازات.

واژگان کلیدی: حجاب، عفاف، قانون حجاب و عفاف.

ارجاع:

حبیبی تبار، محمود؛ زندگی علی آبادی، نرگس؛ (۱۴۰۴)، چالش‌ها و راهبردهای اجرایی شدن حجاب و عفاف، تمدن حقوقی، شماره ۲۳.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

حجاب و عفاف پدیده مذهبی و ارزشی مهم در تعالیم اسلامی و از ضرورت‌های اجتماعی جوامع انسانی است که با وجود آن منافع و تأثیرات شگرفی در جامعه پدیدار شده و عدم رعایت آن، زیان‌ها و آثار مخربی در فرهنگ عمومی اجتماع و حتی اقتصاد و سیاست بر جای می‌گذارد. یکی از مقولات مهم در تفسیر حجاب، پیوند آن با عفاف و کنترل جنسیتی است، به‌طوری که بی‌بندوباری در حجاب و عفاف موجب تحریک غریزه جنسی است و چه بسا تحریک این غریزه موجب روابط جنسی نامشروع گردد و در نتیجه بنیاد خانواده سست می‌شود. همچنین، بی‌علاقگی به ازدواج، تزلزل بنیاد خانواده، افزایش میزان طلاق از جمله آثار بدحجابی است.

در حال حاضر نسل جدید در جوامع مسلمان به ویژه در ایران، نگرشی قابل توجهی نسبت به حجاب و عفاف از خود نشان داده است. جوانان، به ویژه دختران که تحت تأثیر عوامل جهانی‌سازی و فضای مجازی قرار دارند، تمایل به اعمال آزادی‌های فردی بیشتری دارند. در این میان، بسیاری از آن‌ها حجاب را به‌عنوان یک انتخاب شخصی می‌بینند نه یک الزام مذهبی یا اجتماعی. این تغییرات نگرشی، به ویژه در اعتراض‌های سال‌های اخیر در ایران، به وضوح نمایان شده است. در کنار این تغییرات، فشارهای اجتماعی و سیاسی همچنان برای حفظ هنجارهای سنتی بر نسل جدید وارد می‌شود.

دولت‌ها به ویژه در ایران، قوانینی همچون «قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳» برای مقابله با این تغییرات نگرشی تصویب کرده‌اند که شامل مجازات‌های سنگین برای عدم رعایت حجاب است. این

قوانین معمولاً در راستای تقویت فرهنگ عفاف و خانواده محور طراحی می‌شوند و سعی دارند تا دیدگاه‌های جدید را کنترل کنند. رفتار دولتمردان در مقابله با پدیده بی‌حجابی و بی‌عفتی در هم تنیده با اصول اساسی نظام است؛ بنابراین با گذر زمان و تغییر مقتضیات زمانه تجدیدنظر در آراء و رفتارها، ضروری به نظر می‌رسد. زیرا هر دوره‌ای با توجه به عناصر تأثیرگذارش در جامعه سیاست‌های منحصر به فرد خود را می‌خواهد که قطعاً در زمینه حجاب و عفاف باید این عوامل در نظر گرفته شود.

سؤالی در این پژوهش مطرح می‌شود مبنی بر این که چالش‌ها و راهبردهای اجرایی شدن حجاب و عفاف در جامعه چگونه است؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. در نهایت مشکل اصلی در مسئله حجاب این است که این امر برای دولت تبدیل به امر هویتی و نمادین شده است، درحالی که این امر نزد بسیاری از شهروندان و جامعه لزوماً چنین نیست. عدم رعایت حجاب برای بسیاری از زنان یک سبک زندگی است و چه بسا بسیاری از آنان باورمند به اسلام و به جا آورنده عبادات و مناسک اسلامی نیز هستند. پس در این چهارچوب که یک طرف ماجرا آن را هویتی و سیاسی کند، مسئله به تقابل طرفین خواهد رسید و این نه به نفع جامعه است و نه به نفع حکومت و مردم. به نظر می‌رسد بهتر است همه نیروها و جریان‌ها اعم از حکومت یا منتقدان آن در ابتدا اصل تحولات جدید جامعه و ابعاد آن را درک نمایند و سپس بازنگری در سیاست‌ها و راهبردهای ناموفق در حوزه حجاب و اصلاح آن‌ها بر پایه آن فلسفه حقوقی انجام پذیرد که منجر به وفاق اجتماعی و منع مواجهه گروه‌های گوناگون با یکدیگر شود.

ساختار کلی پژوهش فوق بدین صورت است که ابتدا در مبحث اول، مفهوم شناسی حجاب و عفاف؛ در مبحث دوم تاریخچه قانونگذاری حجاب در ایران؛ در مبحث سوم، جرم انگاری بدحجابی و بی‌عفتی؛ در مبحث چهارم، اقسام جرایم بی‌حجابی و بی‌عفتی؛ در مبحث پنجم، راهکارهای اجرایی شدن حجاب و عفاف؛ در مبحث ششم، چالش‌های قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳ و نهایتاً نتیجه و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۱- مفهوم شناسی حجاب و عفاف

قانونگذار در هیچ قانون یا آیین‌نامه‌ای به‌طور کامل، حجاب و عفاف را تعریف نکرده است، لیکن استعمال واژه حجاب در پوشش زنان در برابر مرد بیگانه بیانگر این واقعیت است که بین معنای اصطلاحی حجاب و معنای لغوی یعنی پوشش رابطه تنگاتنگی وجود دارد. معنای اصطلاحی جدید حجاب آن را بیشتر در پوشاندن جسم، اعضاء و جوارح زن متمایل می‌کند، به این معنا که زنان باید در حدود مشخصی

بدن خود را از کسانی که نامحرم شناخته شده می‌شوند بپوشانند. بدون شک حجاب در این معنا از دستورات همه ادیان الهی بوده و از ضروریات دین مبین اسلام شناخته می‌شود که مورد نظر و اتفاق همه مذاهب اسلامی است (علیمردی و علیمردی، ۱۳۸۹، ۱۱۹).

ازسوی دیگر عفاف به عنوان مسئله اصلی و بنیادین و فراتر از حجاب و پوشش مطرح می‌شود و ازسوی دیگر با آن رابطه تنگاتنگ دارد. چرا که خصلت و ارزشی اختیاری است که پوشش را به ارمغان می‌آورد. به طور کلی می‌توان حجاب را ثمره عفاف دانست. بر این اساس، حجاب؛ پوشش ویژه و یکی از ثمرات پاکدامنی است؛ درحالی که عفاف، یک خصلت، بیش و منش است. همچنین حجاب، تنها پوشش بیرونی است؛ ولی عفت، هم پوشش بیرونی و هم پوشش درونی است. حجاب می‌تواند ریایی، تحمیلی، ظاهری یا غیراختیاری باشد؛ ولی عفاف، یک خصلت و ارزش اختیاری است. عفاف نمودهای گوناگونی دارد؛ از جمله عفاف در نگاه، عفاف در سخن، عفاف در شهوت و... لذا ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد؛ ولی عفاف در نگاه، سخن گفتن و یا امور جنسی نداشته باشد که این خود نمونه حجاب بدون عفاف است (نصرتی و عالمی بکناش، ۱۳۹۵، ۲۳).

بنابراین، عفاف یعنی هر گونه عملی که باعث ایجاد رویه اعتدال، خودنگهداری، تسلط بر خویشتن شده و قلمرو آن در حوزه تمایلات جسمی و جنسی بوده و بنای مستمر و ارادی مردم بر اساس آن شکل گرفته است. عفاف امری همیشگی است و متعلق به زمان یا مکان خاصی نیست، بدین معنا که انسان چه در مقابل محارم و چه نامحرم، چه هم جنس و چه غیرهمجنس، چه در خانه و چه در بیرون باید مواظب نوع پوشش خود بوده و پاسدار حریم عفاف باشد، اما حجاب تنها در مقابل نامحرم معنا پیدا می‌کند، در غیر این حالت پوشاندن همه بدن برای زن مفهومی ندارد.

وجه افتراق دیگر آن که حد حجاب به صورت واضح و متمایز در شرع اسلام آمده است و ملاک روشنی دارد. اما عفاف این گونه نیست، بدین معنا که عفاف نزد جوامع و ملل مختلف با آداب و رسوم متفاوت و در زمان‌های گوناگون فرق می‌کند. لذا ممکن است در زمانی یا در جامعه‌ای پوشش خاصی عقیفانه باشد و در جامعه دیگر خلاف عادت تلقی شود. به عنوان مثال، ممکن است پوشیدن بلوز و شلوار برای یک زن در کوچه و خیابان در یک کشور اسلامی به دور از عادت باشد، اما همین پوشش در یک کشور دیگر عامیانه شمرده شود. رابطه منطقی بین عفاف و حجاب را می‌توان از نوع عموم و خصوص مطلق دانست بدین معنا که هر انسان عقیفی، باحجاب است، اما هر انسان باحجابی لزوماً عقیف نیست.

۱-۱- حجاب از منظر عرفی

از نظر عرف، پوشش به این معنا است که زن در مواجهه خود با نامحرمان، قسمت‌هایی از جسم خود را از آنان پوشانده و از هر گونه عشوهِ گری نیز خودداری نماید. حجاب در اصطلاح اهل عرفان عبارت است از آنچه حائل و مانع میان طالب و مطلوب باشد و آنچه مانع تجلی حقایق شود. پوشش عرفی؛ یک نوع منش است که بدون دخالت حاکمیت به مرور زمان و به‌طور خود به خودی در میان همه افراد یا دسته‌ای از افراد متداول می‌شود و به آن عمل می‌نمایند و در میان خود آنان نوعی الزام را به همراه دارد. وقتی مقنن قانونی وضع می‌کند که باید بر جامعه اعمال و در آن اجرا شود باید در تدوین آن ملاک‌های عرفی را که در جامعه وجود دارد در نظر بگیرد تا نتیجه مورد نظر حاصل شود، در غیر این صورت قطعاً در عرصه اعمال و اجرا با مشکل مواجه می‌شود و نتیجه مورد نظر حاصل نمی‌گردد.

در تمیز بین قانون و عرف می‌توان به ضمانت اجرای آن دو نظر داشت. در عرف افکار عمومی خود مسئول حراست از ارزش‌های عرفی می‌باشند، به‌طوری که اگر این ارزش‌ها مورد تعرض و نافرمانی قرار گیرند منجر به طرد فرد خاطی می‌شود، اما در مورد قانون این گونه نیست و در مجازات افراد نافرمان نسبت به قانون حکومت دخالت می‌کند و مجازات با استفاده از قوه قهری اعمال می‌شود. در مقام مقایسه بین این دو عرف حوزه گسترده‌تری دارد، چرا که افراد بیشتری در آن وجود داشته و به پاسداری از ارزش‌های خود می‌پردازند. این در حالی است که معمولاً حکومت‌ها از دایره محدودتری برخوردار هستند (مقدم، ۱۳۹۶، ۱۲۵).

۱-۲- حجاب از منظر فقهی

در فقه، این واژه به معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد، به کار رفته است و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده است. در دوران متأخر، این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق گردیده است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها، کلمه ستر که به معنای پوشش است به کار می‌رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰۷).

به‌طور کلی فقها در کم و کیف پوشش اختلاف نظر دارند، ولی در اصل وجوب آن بر زنان در برابر مردان نامحرم هیچ اختلافی ندارند و این حکم مورد اجماع علمای اسلام است. به‌عنوان مثال، علامه حلی می‌نویسد: بنابر اجماع دانشمندان شهرها، عورت زن عبارت است از همه بدن او به جز چهره، به جز

ابابکر بن عبدالرحمن بن هشام که گفته است: همه بدن زن، حتی ناخن‌های او، عورت است و این سخن، به اجماع، مردود می‌باشد. اما دو دست نیز از نظر همه علمای ما، مثل چهره است و فتوای مالک، شافعی، اوزاعی و ابو ثور نیز همین است. ولی احمد و داود گفته‌اند: دو دست از عورت است^۱ (حلی، ۱۴۱۴ق، ۴۴۸). شیخ طوسی در مبسوط می‌نویسد: مرد نمی‌تواند بدون سبب، به زن نامحرم بنگرد. نگرستن او به قسمت‌هایی از بدن که عورت است، حرام و به آن قسمت‌هایی که عورت نیست یعنی چهره و دو دست، مکروه می‌باشد^۲ (طوسی، ۱۳۸۸ق، ۱۶۰).

۲- تاریخچه قانونگذاری حجاب در ایران

به گواهی تاریخ، حجاب از دوران باستان و در تمامی نقاط جهان، در میان زنان رایج بوده که البته مقدار آن در همه جا یکسان و به یک شکل نبوده و به اشکال مختلف استفاده می‌شده، به‌طوری که به دلیل برخی عوامل از جمله حضور زنان در سطوح بالای اجتماعی، اعتقادات مذهبی و تأمین امنیت، مهم‌ترین دلایل پوشیده‌تر بودن لباس زنان در طول تاریخ است.

پانزدهم اسفند ماه ۱۳۵۷، یک ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زمانی که هنوز قانون اساسی تدوین نشده و به تصویب نرسیده بود، حضرت امام خمینی (ره) نسبت به وضعیت حضور زنان در ادارات دولتی انتقاد کرده و فرمودند: «در ادارات اسلامی نباید حرامی رخ دهد نباید گناهی انجام شود. ما با فعالیت زنان در این وزارتخانه‌ها مشکلی نداریم به شرطی که حدود اسلامی رعایت شود زنان نباید برهنه باشند باید پوشش اسلامی رعایت شود». در واقع این تأکیدی بود بر سخنان ایشان در مصاحبه‌ای که در تاریخ هفتم دی همان سال، در پاریس فرمودند: زن هرگز با مرد فرقی ندارد. دقیقاً به‌خاطر پایداری بر سر همان اصول است که در تیر ماه ۱۳۵۹، طی پیامی در پاسخ استعلام در مورد تعرض عده‌ای از افراد ناآگاه و ضدانقلاب، به بانوان بی‌حجاب، اعلام داشتند: که این امکان وجود دارد که تعرض به خانم‌ها در جامعه از طرف منحرفین و ضدانقلاب باشد و این قبیل اقدامات برای مسلمانان از نظر شرعی حرام است و وظیفه

۱- عورة المرأة جميع بدنھا الا الوجه باجماع علماء الأمصار عدا أبابکر بن عبدالرحمن بن هشام: فَانَّه قال: کلّ شی من المرأه عوره حتّی ظُفْرھا و هو مدفوع باجماع و أما الکفّان: فَکالوجه عند علمائنا أجمع و به قال مالک و الشافعی و الأوزاعی و أبو ثور و قال أحمد و داود: الکفّان من العوره.

۲- لا تحلّ لأجنبي أن تنظر إلى أجنبيه لغير حاجة و سبب، فنظره إلى ما هو عوره منها محظور و إلى مایس بعوره مکروه و هو الوجه و الکفّان.

نهادهای قانونی است که با این قبیل مسائل برخورد نمایند (شکوری، ۱۳۹۰، ۱۰).

نهایتاً در آذر ماه ۱۴۰۳ متن نهایی «قانون حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» معروف به قانون حجاب و عفاف پس از رفت و برگشت‌های متعدد میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تنظیم و نهایی شده است. بر این اساس، فصل اول این قانون به کلیات و تعاریف پرداخته، فصل دوم به وظایف عمومی دستگاه‌های اجرایی، فصل سوم به تکالیف اختصاصی دستگاه‌های اجرایی پرداخته، فصل چهارم، به وظایف عمومی و مسئولیت‌های اجتماعی و فصل پنجم نیز به جرائم و تخلفات پرداخته است. مطابق این قانون دستگاه‌های مختلفی از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، معاونت علمی رئیس جمهور، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، وزارت اقتصاد، وزارت صمت، وزارت راه و شهرسازی، وزارت ارتباطات، وزارت میراث فرهنگی و گردشگری، معاونت امور زنان رئیس جمهور از جمله دستگاه‌هایی هستند که در این قانون به‌طور مستقیم تکالیفی را در حوزه فرهنگ‌سازی و حمایت از خانواده بر عهده خواهند داشت.

۳- جرم انگاری بدحجابی و بی‌عفتی

مطابق با ماده ۳۸ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، هر شخصی در فضای مجازی و غیرمجازی حجاب را مورد توهین یا تمسخر قرار دهد یا برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی را ترویج یا تبلیغ کند یا هر رفتاری انجام دهد که نوعاً ترویج آن‌ها محسوب شود، در مرتبه اول به جزای نقدی درجه چهار و به تشخیص مقام قضائی ممنوعیت از خروج از کشور تا دو سال و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود و در مراتب بعدی، جزای نقدی یک درجه تشدید و سایر مجازات‌های مرتبه اول نیز اعمال و به حبس درجه پنج نیز محکوم می‌گردد.

همچنین مطابق با تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از شش میلیون و ششصد هزار ریال تا سی و سه میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. این ماده از زوایای مختلف تفسیری و اجرایی مورد بررسی قرار گرفته و برخی منتقدان بر این باورند که تفسیر سخت‌گیرانه این قانون می‌تواند به تضییع حقوق فردی بینجامد. فشارهای اجتماعی و حکومتی می‌تواند به تفسیرهای

متفاوتی منجر شوند که همواره مورد پذیرش تمامی اقشار جامعه نیست. علاوه بر این، بر اساس ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، در صورتی که گذاشتن عکس بی‌حجاب در فضای مجازی، به صورت انتشار تصاویر مبتذل یا مستهجن باشد، مشمول مجازات خواهد بود. در این صورت، مجازات شامل حبس از نود و یک روز تا دو سال، یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات است.

مطابق با ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، حضور زنان بدون حجاب شرعی یکی از مصداق‌های تظاهر به عمل حرام و اعمالی شمرده شده است که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند. تبصره ماده فوق‌الذکر عنصر قانونی این جرم است. ظاهر شدن زنان بدون حجاب شرعی، عنصر مادی است. بحث معاونت در این جرم نیز مانند سایر جرایم است. به عنوان مثال، اگر مردی با وسیله خود، زن بی‌حجابی را در معابر بگرداند، معاونت در جرم کرده است و شروع به جرم نیز در این جرم وجود دارد (زراعت، ۱۳۸۲، ۴۳۵). عنصر سوم جرم، عنصر روانی است. این جرم از جرایم عمدی است، زیرا مرتکب باید علاوه بر علم و آگاهی به غیرقانونی بودن و حرام بودن عمل ارتكابی، قصد انجام آن را نیز داشته باشد. لازم نیست که این قصد به منظور جریحه‌دار کردن عفت عمومی باشد. بلکه ممکن است عمل ارتكابی از روی غفلت یا بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی صورت گرفته باشد. هر چند فاعل قصد خاص عمل حرام را نداشته باشد، همچنین امکان مشاهده دیگران کافی است، هر چند باید احتیاط لازم را انجام داده باشد.

لازم به ذکر است رابطه دو واژه حجاب اسلامی و بی‌حجابی، رابطه متناقضی است و حد سومی وجود ندارد. به بیان دیگر، ظاهر شدن در هر وضعیتی که کفایت حجاب شرعی را نکند مصداق جرم رعایت نکردن حجاب شرعی است. نمایان بودن تمام یا بخشی از موی سر، آشکار بودن گردن و سینه به دلیل شیوه بستن روسری، استفاده از لباس‌های تنگ و بدن‌نما و آرایش دست‌ها و صورت، همگی بخشی از مصداق‌های جرم رعایت نکردن حجاب شرعی هستند. اگر چه تعریف حجاب شرعی در قالب تبصره‌ای جداگانه در کنار ماده مذکور، بخش قابل ملاحظه‌ای از ابهامات را برطرف کرده و راه هرگونه تفسیر و اظهارنظر پیرامون حدود شرعی حجاب را مسدود می‌کند. اسلام، رعایت حجاب را نه فقط در مورد پوشش ظاهری و پوشش اندام بلکه درباره اعضاء و جوارح مانند چشم و گوش ضروری دانسته است. لذا شایسته بود که قانونگذار به نوعی به عفت زبان و چشم و گوش توجه کرده و برای کسانی که

در اعضاء و جوارح خود موازین شرعی را رعایت نکرده و باعث لکه‌دار شدن عفت عمومی می‌گردند، مجازات تعزیری پیش‌بینی نماید.

۴- اقسام جرایم بی‌حجابی و بی‌عفتی

برخی از مهم‌ترین اقسام جرایم بی‌حجابی و بی‌عفتی عبارتند از: ترویج بی‌حجابی با هدف اخلال در نظم عمومی؛ رفتارهای منجر به ضرر به عفت عمومی؛ اصرار بر بی‌حجابی با وجود تذکر؛ بنابراین در این مبحث موارد فوق را با توجه به قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳ مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۱- ترویج بی‌حجابی با هدف اخلال در نظم عمومی

تأمین و حفظ امنیت از مهم‌ترین وظایف حکومت‌ها است. مطابق ماده ۴۰ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، هر شخص در فضای مجازی یا غیرمجازی به اصل حجاب توهین کند یا برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی را ترویج کند یا هر رفتاری انجام دهد که نوعاً ترویج آن‌ها محسوب شود، مرتکب در مرتبه اول به جزای نقدی درجه چهار و به تشخیص مقام قضائی ممنوعیت از خروج از کشور و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال و حذف محتواهای سابق ناقض قانون محکوم می‌شود و در صورت تکرار، جزای نقدی یک درجه تشدید و سایر مجازات‌های مرتبه اول نیز اعمال می‌شود.

بر این اساس، اگر نوعی از بی‌حجابی و بی‌عفتی در جامعه که سازمان یافته باشد و از طرف گروه‌های معاند در جامعه اجرا شود، می‌توان آن را از جمله جرایم مربوط به امنیت ملی به حساب آورد و در نتیجه حکومت اسلامی جهت حفظ نظم عمومی و جلوگیری از اخلال در امنیت کشور با این نوع جرم مقابله شدید می‌کند. البته مطابق تبصره اول ماده ۳۷ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، در صورتی که ارتکاب جرم سازمان یافته بوده و با همکاری دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند نباشد و گروه سازمان یافته اغفال شده باشد، مجازات موضوع این ماده تا سه درجه قابل تخفیف است.

۴-۲- رفتارهای منجر به ضرر به عفت عمومی

این نوع بی‌حجابی را می‌توان از جمله جرایم مربوط به اشاعه فحشاء دانست. جرم اشاعه فقط از راه فعل مادی مثبت قابل تحقق است و ارتکاب این جرم به صورت ترک فعل امکان ندارد. ملاک تحقق این جرم علنی بودن است. بنابراین، اگر بی‌حجابی و بی‌عفتی دارای عناصر مادی و روانی جرم اشاعه بوده و عنصر علنی بودن را نیز داشته باشد، در زیرمجموعه جرایم مربوط به اشاعه فحشاء قرار می‌گیرد.

در این راستا مطابق بند اول ماده ۲۵ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، رصد، تجزیه و تحلیل مداخلات بیگانگان و جنگ شناختی دشمن در امر عفاف و حجاب و خانواده و شناسایی عوامل و عناصر، مراکز و کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های سازمان‌یافته در ترویج فحشاء و فرهنگ بی‌بندوباری و فردگرایی از وظایف وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمان اطلاعات فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است.

۴-۳- اصرار بر بی‌حجابی با وجود تذکر

نوع دیگر بی‌حجابی که امروزه بیشتر رواج دارد این است که فرد از روی عناد و لجبازی و با وجود تذکر، همچنان اصرار بر انجام این منکر دارد. بر این اساس، این نوع بی‌حجابی را می‌توان از اقسام منکرانی دانست که حکومت می‌تواند در قالب جرم بی‌حجابی با آن برخورد کند و قدر متیقن از ادله مسئولیت حکومت در صورت اثبات، این قسم را شامل می‌شود. مطابق ماده ۶۰ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، هر گونه تعرض، تمرد، مزاحمت و اخلاف در مراحل اجرای این قانون ممنوع بوده و ضمن توقیف ابزار و تجهیزات مربوط در صورتی که رفتار ارتكابی در قانون دارای مجازات بالاتری نباشد مرتکب به حبس درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود.

۵- راهکارهای اجرایی شدن حجاب و عفاف

برای اجرایی شدن حوزه حجاب و عفت عمومی در جامعه لازم است مواردی همچون سیاست‌گذاری، فرهنگ‌سازی، احترام و... نهادینه شود که در این مبحث مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۵-۱- سیاست‌گذاری

نگاه به مسئله حجاب و عفت عمومی، باید نگاهی کامل و آینده‌نگر باشد و تناسب بین برخورد حقوقی و فرهنگی لحاظ شده باشد. نکته مهم و قابل توجه آن است که باید در این سیاست‌گذاری نظام الهی و مؤلفه‌های آن نیز در نظر گرفته شود و هیچ‌گاه نمی‌توان با دید غیرالهی و اصول مبتنی بر آن، به وضعیت حجاب و پوشش رسیدگی کرد. به عنوان مثال اگر بدپوشی به عنوان یک ناهنجاری در تعریف رایج آن در علوم اجتماعی باشد و در صدد اصلاح آن برآییم، اگر چهارچوب نظری غیرالهی که بر اصولی همچون لیبرالیسم، سکولاریسم و... مبتنی است بر فضای دید ما حاکم باشد، ممکن است با این مسئله روبرو شویم که اکثریت جامعه پوشش مناسب را حلی از پوشش بدانند که با ضوابط تعیین شده در شریعت همخوان نباشد و

حتی ممکن است در زمانی پوشش مورد نظر شرع و یا حجاب برتر با انکارگرایی و تحقیر عرفی مواجه شود. مطابق با بند اول اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت وظیفه ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی را دارد، بدین منظور باید در این زمینه مهم نیز یک سیاست‌گذاری یکپارچه صورت گیرد؛ این سیاست‌ها می‌تواند شامل سیاست‌های نظارتی، مدیریتی، حمایتی، آموزشی، تربیتی، تقنینی، تشویقی و تبلیغی باشد که باید جنبه پیشگیرانه و درمان‌گرایانه داشته باشد.

۵-۲- فرهنگ‌سازی

مطابق با بند دوم ماده ۱۰ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، فرهنگ‌سازی عفاف و حجاب و سبک زندگی اسلامی مبتنی بر تعهد زوجین به یکدیگر از طریق برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و ارائه متون آموزشی برای خانواده‌ها و معلمان امکان‌پذیر بوده و فرهنگ‌سازی، تبیین شعائر دینی، تأسیس، شبکه‌سازی و سرمایه‌گذاری در راستای مفاهیم عفاف و حجاب با استفاده از ظرفیت تبلیغی است. همچنین مطابق بند اول ماده ۲۹ قانون فوق‌الذکر از جمله وظایف معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، تشویق و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در عرصه ترویج سبک زندگی اسلامی خانواده محور و فرهنگ عفاف و حجاب با تأیید ستاد هماهنگی و راهبری اجرای مصوبه عفاف و حجاب در وزارت کشور است. علاوه بر این، پیگیری برای گسترش سبک زندگی اسلامی خانواده محور و فرهنگ عفاف و حجاب در مورد زنان آسیب دیده و در معرض آسیب.

بر این اساس، فرهنگ‌سازی را می‌توان فرایندی دانست که موجبات محتواسازی، ساختاریابی، اصلاح بخشی و مشارکت اجتماعی را از رهگذر تعامل‌گرایی جوامع فراهم می‌سازد. بنابراین، فرهنگ‌سازی فرایندی دائمی، پایدار و پویا و نه مقطعی یا موقتی است که نتیجه آن پذیرش باورها و مقدرات فرهنگی مورد نظر است و تغییر در شیوه تفکر را موجب می‌شود. فرهنگ‌سازی در قالب ارشاد، تعلیم، تربیت، تبلیغ و همچنین ایجاد الگوهای مناسب شکل می‌گیرد و چهار رکن رفتار، گرایش، باور و معلومات مردم را تغییر داده و اصلاح می‌کند. بدین منظور می‌توان در مسئله حجاب و عفت عمومی این چهار رکن را در قالب دو مسئولیت عمده اطلاع‌رسانی و الگوسازی محقق ساخت (فلاح تفتی، ۱۳۹۳، ۲۸۰).

برای مسئولیت اطلاع‌رسانی در حوزه حجاب و عفاف، دو کار مهم باید در دستور کار نظام اسلامی

قرار گیرد: اول- طراحی راهبردها، خط مشی‌ها و ساختارهای آموزشی ارزش‌مدار و هدفمند جهت توسعه فرهنگ حجاب و عفاف. دوم- اختصاص بخشی از اعتبار و بودجه عمومی برای شناخت و آموزش شهروندان در این زمینه. بر این اساس، برای طراحی راهبردها، خط مشی‌ها و ساختارهای آموزشی ارزش‌مدار، این اقدامات باید صورت پذیرد:

اول- تقویت بنیه اعتقادی؛ حقیقت این است که در صورتی می‌توانیم ارزش‌ها و فعل‌های اخلاقی را در یک جامعه همگانی و درونی‌سازیم که یک اعتقاد مذهبی پشت سر آن‌ها باشد. باید دانست که عدم اهتمام به تقویت باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی سبب می‌شود نسل جوان نسبت به ارزش‌ها بیگانه گشته و نسبت به اعتقادات دینی خود احساس حقارت نمایند و در درازمدت بن بست فکری در این باب خودباختگی نسبت به فرهنگ غرب را در پی دارد. دوم- تبلیغ و تبیین؛ تبیین کارکردهای حجاب و عفاف از جمله بالا بردن ارزش زن و بهداشت روانی فرد و جامعه، استحکام بنیان خانواده و افزایش کارایی و از طرف دیگر تبیین پیامدهای عدم رعایت حجاب و عفاف از جمله بالا رفتن آمار طلاق، هوس‌مداری، بی‌ثباتی قانون‌خانوادگی، چشم‌چرانی و... که این امور توسط نهادهایی چون سازمان صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و مخصوصاً آموزش و پرورش انجام می‌پذیرد. سوم- برگزاری دوره‌های تحصیلی برای مردم؛ وزارت آموزش و پرورش باید با کمک حوزه‌های علمیه در سطح مدارس با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، اردوهای ویژه مهارت‌های حجاب و اصلاح رفتارها به‌خصوص از دوره دبستان به این امر مهم پردازد. این کارگاه‌های آموزشی خصوصاً برای مادران، معلمان، مدیران و مربیان تربیتی برای انتقال این مفهوم جهت تغییر و اصلاح در نگرش، رفتار و مهارت آنان بسیار مؤثر خواهد بود.

چهارم- انجام پژوهش‌های بنیادین و کاربردی؛ مراکز پژوهشی، حوزوی و دانشگاهی در ریشه‌یابی ارائه مدل‌ها و راهکارهای اصلاح بسیار تأثیرگذار خواهند بود. تدوین کتب درسی متناسب با فرهنگ دین و ارزش‌های مذهب و تقویت بنیه اعتقادی دانش‌آموزان نیز می‌تواند، جامعه‌ای دین‌باور و دین‌محور را به بار خواهد آورد.

پنجم- پاسخگویی به شبهات و سؤال‌ها در حوزه حجاب و عفت عمومی؛ حکومت اسلامی در این زمینه موظف است، عرصه‌های تحقیق را فراهم و با تشکیل کارگاه‌های عملی و با روش استدلال و برهان، شبهات در این زمینه را رفع کند.

۵-۳- ایجاد گروه‌های امر به معروف و نهی از منکر

مطابق با اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. در این رابطه ماده ۵۹ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳ مقرر می‌دارد: «مطابق مبانی شرعی و اصل هشتم قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر لسانی در حوزه پوشش و حجاب وظیفه اجتماعی همه مردم است و هیچ کس را نمی‌توان به علت انجام واجب شرعی مؤاخذه نمود. امر به معروف و نهی از منکر در این حوزه باید با مهربانی و با رفق و مدارا و با رعایت شروط آن از جمله نداشتن مفسده و احتمال تأثیر باشد. هر کس در امر به معروف و نهی از منکر عدم رعایت حجاب شرعی یا بی‌حجابی یا بدپوششی، مرتکب توهین یا افتراء گردد به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌گردد. در صورتی که فردی امر و نهی را با پرخاش و دعوا همراه کند به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌گردد».

بنابراین، نظام اسلامی باید وظایف ذیل را انجام دهد: اول- سامان دادن به گروه‌های امر به معروف و نهی از منکر که ممکن است در قالب سازمان‌های مردمی، مساجد، کانون‌های فرهنگی، پایگاه‌های مردمی بسیج، شوراهای محلی، معتمدین محلات و... باشند. در این راستا مطابق ماده ۳۱ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، سامان‌دهی و گسترش توانمندی‌های بسیج در جهت گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در فضای حقیقی و مجازی از جمله وظایف بسیج مستضعفین است. همچنین مطابق با ماده ۶۰ قانون فوق، هر کس در مقابل امر به معروف و نهی از منکر شرعی و قانونی درباره عفاف و حجاب، حرکات غیرمتعارف انجام داده یا توهین یا پرخاش کند، به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌گردد. دوم- این حمایت‌ها هم به صورت تقویت مهارت‌ها و دانش‌های آنان است و هم پشتیبانی از عملکرد قانونی آنان و پس از تصویب قوانین با نظارت جدی بر اجرای آن‌ها، می‌تواند کمک بزرگی به هدف مورد نظر نماید.

۵-۴- احترام و تکریم

از آنجاکه رعایت حجاب به عنوان یک معروف و عدم رعایت آن به عنوان یک منکر است، لذا زنان باحجاب و عفیف باید مورد احترام و تکریم باشند. بر این اساس، نظام اسلامی باید فضایی را در ادارات، سازمان‌های دولتی، بانک‌ها و... ایجاد کند که کسانی که عفاف را ارج می‌نهند و حجاب را رعایت

می‌کنند از منزلت اجتماعی و احترام برتر و بیشتری برخوردار باشند.

به‌عنوان مثال، مطابق با بند ششم ماده ۳۰ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، از ورود اشخاص بدون رعایت حجاب شرعی به محیط دادگاه‌ها و دادسراها جلوگیری می‌شود. همچنین در خدمت‌رسانی دولتی، واگذاری مناصب اجتماعی و مشاغل دولتی نیز رعایت پوشش اسلامی شرط و از طرفی وضع محدودیت در استفاده از امکانات و خدمات دولتی برای اشخاص بدحجاب باشد. در این رابطه، مطابق با بند چهارم ماده ۱۰ قانون فوق، وزارت آموزش و پرورش موظف به اقدام نسبت به اعمال گزینش بدو خدمت و استمرار صلاحیت‌های بدو گزینش در طول سنوات خدمتی و صلاحیت‌های عمومی و نیز رعایت فرهنگ عفاف و حجاب برای کلیه معلمان، دانشجو معلمان و کارکنان اعم از رسمی، پیمانی یا قراردادی یا خرید خدمات است.

۵-۵- حمایت حقوقی

تعهد به حمایت وظیفه دولت در جلوگیری دیگران از مداخله در حقوق اشخاص است که این بعد از تعهد، بر تأمین نظم و عدالت اشاره دارد. در این راستا منظور از حمایت حقوقی، وضع قوانین و مقرراتی است که بتواند حمایت‌های لازم را جهت افزایش عفت عمومی در جامعه و ایجاد بسترهای لازم برای حفظ حجاب فراهم آورد. از جمله مواردی که در جهت حمایت حقوقی باید ایجاد شود، عبارتند از:

اول- رفع موانع ازدواج و تسهیل و ترویج آن: در این راستا مطابق با بند چهارم ماده ۱۱ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳ یکی از وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، افزایش اعطای تسهیلات برای ازدواج دانشجویی و اولویت دادن به ساخت خوابگاه‌های متأهلی است. همچنین، مطابق با بند اول ماده ۲۲ قانون فوق‌الذکر یکی از وظایف وزارت راه و شهرسازی، برنامه‌ریزی، طراحی و اقدام برای ایجاد محیط و زیرساخت‌های لازم به منظور احداث و گسترش فضاهای مناسب‌سازی شده برای بانوان، حفاظت از حریم خانواده و تأمین فضای باز بدون اشراف برای خانه‌ها، کمک به تسهیل ازدواج و تشکیل خانواده از طریق تأمین زمین آماده‌سازی شده برای جوانان در سن ازدواج است.

دوم- تأمین ملزومات پوشش اسلامی: یکی از مهم‌ترین مسائل، حمایت از تولید پوشش‌های اسلامی، طراحی لباس ایرانی اسلامی و درعین‌حال ارزان قیمت است، به گونه‌ای که دسترسی به آن‌ها برای گروه‌های مختلف مردم به آسانی میسر باشد و هیچ زن مؤمن و عفیفی به دلیل محرومیت اقتصادی، از داشتن لباس و پوشش مناسب، محروم نباشد. از طرفی باید نظارت بر تولید، واردات و عرضه البسه مبتذل و

ناهمخوان با فرهنگ اسلامی و ملی و برخوردهای بازدارنده با اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در این عرصه، صورت گیرد.

در این راستا مطابق بند ششم ماده ۲۱ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، نظارت مستمر و مؤثر بر عملکرد واحدهای تولیدی پوشاک به ویژه در مرحله طراحی و تولید از طریق سازمان‌های مربوطه و برخورد با اصناف خاطی و ترویج‌کننده پوشاک فاقد شاخص‌های اعلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کارگروه سامان‌دهی مدولباس از طریق اتحادیه‌ها و اتاق اصناف و نهادهای قضایی و نظارتی، از جمله وظایف وزارت صنعت، معدن و تجارت است. همچنین مطابق با بند ششم ماده ۸ قانون فوق، استفاده از الگوهای مورد تأیید کارگروه سامان‌دهی مدولباس برای الگوسازی پوشش متناسب با سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور و فرهنگ عفاف و حجاب در محصولات تولیدی و پرهیز از استفاده از الگوهای نامناسب، از جمله وظایف سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است.

۵-۶- اقدام قضایی

از آنجاکه نظام اسلامی در حوزه حجاب و عفت عمومی مسئولیت دارد، لذا دخالت قانونگذار کیفری علی‌القاعده آخرین اقدام در مواجهه با پدیده‌های ضدارزشی است. در فرایند جرم‌انگاری وجود نص قانونی شفاف، بدون ابهام و صریح لازمه حفظ حقوق شهروندی است و برای تعیین مجازات و پاسخ به ناهنجاری‌ها از طریق قانون بایستی توجه کرد که مجازاتی که برای رفتارهای ضدارزشی معین می‌شود، متناسب باشد.

بر این اساس، مطابق با ماده ۴۹ قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، هرکس در انظار یا اماکن عمومی یا معابر مرتکب بدپوششی شود در مرتبه اول معادل حداکثر جزای نقدی درجه شش و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود. همچنین طبق ماده ۴۸ قانون فوق‌الذکر، هر زنی در انظار یا اماکن عمومی یا معابر کشف حجاب کند به نحوی که چادر یا مقنعه یا روسری یا شال بر سر نداشته باشد، در مرتبه اول معادل جزای نقدی درجه شش و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود. در صورت تکرار بیش از چهار بار، مرتکب به مجازات تکرار جرم موضوع ماده ۳۸ این قانون محکوم می‌گردد.

۶- چالش‌های قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳

نظر به جایگاه عفاف و حجاب در جامعه اسلامی و اهمیت تعیین، تعریف، تدوین و اجرایی‌سازی راهبردهای مرتبط با هدف ارتقای کمی و کیفی موضوع، قانون حجاب و عفاف در سال ۱۴۰۳ به تصویب رسید. این قانون هیچ تعریفی از واژگان «حجاب» و «عفاف» به عمل نیاورده است؛ به بیان دیگر، قانون مزبور در مقام گسترش فرهنگ آن چیزی است که خود تعریف قطعی از آن ندارد و بنابراین در این فضای عاری از تعریف شفاف و فاقد شاخص‌های ملموس، تعیین راهکار اجرایی برای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف و ملزم کردن دستگاه‌های مقرر در قانون به رعایت آن، فاقد وجهت حقوقی می‌نماید؛ کما این که در اساس نمی‌توان نهادهای حاکمه و در مراتب پایین‌تر شهروندان را ملزم به رعایت شاخص‌هایی کرد که به‌طور قانونی تعیین، تعریف و ابلاغ نشده است.

ضمن این که ضروری بود در این قانون، گروه هدف حجاب و عفاف به‌طور دقیق مشخص می‌شد. به ویژه این که برخی بندهای مقرر در این قانون ذهن مخاطب را به سمت این استدلال هدایت می‌کند که گروه هدف حجاب و عفاف در این قانون فقط بانوان خواهند بود. از این حیث ارائه نکردن تعریف از واژگان عفاف و حجاب به این سردرگمی دامن خواهد زد. به‌عنوان مثال، مطابق ماده اول قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳، خانواده، به‌عنوان کانون اصلی رشد، تعالی انسان و آرامش او اصالت دارد و هر رفتاری که به ترویج برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی، بدپوششی و اعمال خلاف عفت عمومی که منجر به برهم زدن آرامش زن و مرد در خانواده، رواج ازدواج دیرهنگام، گسترش طلاق و آسیب‌های اجتماعی و زدودن ارزش خانواده می‌شود، نقض بندهای اول و هفتم اصول سوم و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و مطابق احکام این قانون و سایر قوانین ممنوع می‌باشد.

نکته‌های قابل بررسی در این ماده عبارتند از: اول- تعریف دقیقی از مفهوم آرامش زن و مرد در خانواده و معیارهای ارزیابی آن در این ماده گنجانده نشده که ممکن است منجر به ابهاماتی در اجرای این ماده شود. دوم- مفهوم برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی و بدپوششی به‌طور دقیق تعریف نشده که می‌تواند باعث ابهام در اجرای این ماده شود. سوم- نقض حریم خصوصی و تبلیغ یا ترویج اموری که منجر به این موارد می‌شود، به‌طور واضح تعریف نشده که می‌تواند مسائلی درباره حقوق شهروندی و آزادی فردی ایجاد کند. چهارم- تعیین مجازات دقیق برای نقض این ماده و روش اجرای مجازات‌ها نیز مشخص نشده که ممکن است به اختلافات در اجرای قانون منجر شود.

علاوه بر موارد فوق‌الذکر، تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، حضور زنان بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی را جرم‌انگاری کرده است. در این تبصره نیز این تبصره هیچ تعریفی از واژه «حجاب» یا هیچ تعریفی از عبارت «حجاب شرعی» ارائه نداده است. ضمن این که مسئول قلمداد کردن افراد برای تکلیفی که به صراحت به ایشان تفهیم نشده است، خلاف قاعده فقهی «قبح عقاب بلا بیان» است که طبق آن مجازات یا مسئولیت باید فرع بر بیان احکام باشد. این نحو از جرم‌انگاری نافی اصل رکن قانونی بودن جرم و مجازات است که به موجب آن، مسئولیت فرع بر تکلیف قانونی است و تکلیف قانونی نیز باید صریح و شفاف به تعیین و ابلاغ شده باشد تا وی چهارچوب نواهی و اوامر قانونگذار یا چهارچوب تکالیف ابلاغی را به روشنی درک کرده و رفتار خود را با آن منطبق سازد.

بنابراین، تدوین‌کنندگان این قانون ابتدا باید به مفهوم شناسی از عفاف و حجاب مبادرت ورزند، در مرحله دوم این حوزه معنایی را به تناسب تفاوت دو جنس مرد و زن، مورد بازشناسی قرار دهند و در مرحله سوم علت‌شناسی بی‌حجابی و بی‌عفتی را در دستور کار قرار دهند و آن‌گاه با داده‌های حاصل از این مرحله، به تناسب علل بروز و ظهور رعایت نکردن حجاب و عفاف، به تعیین و تعریف راهبردها و راهکارهای فرهنگی (و نه سلبی و تنبیهی)، متناسب با هر علت، مبادرت کنند.

علاوه بر موارد ذکر شده، مسئله اصلی، روح حاکم بر این قانون است و مهم‌ترین چالشی که در صورت اجرایی شدن آن ایجاد می‌شود، تضعیف همبستگی و وحدت ملی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از اعلام نوع حکومت در اصل اول، بلافاصله در اصل دوم، تأمین همبستگی ملی را یکی از کارکردهای اصلی حکومت معرفی کرده است. ایراد دیگر، جرم‌انگاری حداکثری برای رفتارهایی است که اساساً تنظیم‌گری درباره آن‌ها باید به عرف و جامعه سپرده شود و شایسته مداخله حقوقی و قضائی نیست.

درست است که در این قانون به جز چند مورد، مجازات حبس وجود ندارد؛ اما زنداندزایی از قانون نافی تمایل شدید قانونگذار به جرم‌انگاری گسترده رفتارها در حوزه پوشش نیست. همچنین تعریف جرایم در قالب عبارت‌هایی کشدار، غیردقیق و سیال است که به شدت زمینه اجرای سلیقه‌ای قانون را فراهم می‌کند. برای نمونه مطابق تبصره دوم ماده اول، بی‌عفتی عبارت است از «هر نوع رفتار و گفتار و حرکت شهوانی خلاف شرع». همین تعریف قانونی به‌خوبی نشان می‌دهد که بی‌عفتی اساساً جزء مواردی نیست

که بتوان برای آن حدود و ثغور تعیین کرد و آن را تحت قواعد حقوقی در آورد.

نکته بسیار مهم دیگر آن است که در این قانون بارها به سازمان‌هایی خارج از مجلس شورای اسلامی برای تعیین ضوابط و معیارها ارجاع داده شده است. از جمله در ماده ۴۳ قانون آمده است: طراحی یا تبلیغ، لباس، پیکره (مانکن)، اسباب‌بازی، مجسمه، عروسک، تابلو، نماد یا تصویر مروج برهنگی، بی‌عفتی، کشف حجاب و بدپوششی که شورای فرهنگی عمومی کشور بر اساس معیارهایی که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، تعیین می‌کند، جرم می‌باشد. این در حالی است که اولاً از اصل سی و ششم، اصل سی و هفتم و یکصد و اصل شصت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در می‌یابیم که تعیین جرم و مجازات از صلاحیت‌های اختصاصی قانونگذار، یعنی مجلس شورای اسلامی است و دوماً طبق اصل هشتادوپنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی اجازه ندارد «اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند».

ایراد بعدی، نبود تناسب میان جرم و مجازات است. وقتی همان مجازاتی که برای جرائم سنگین در نظر گرفته شده است، برای جرایم مرتبط با پوشش نیز در نظر گرفته می‌شود، شاید قانونگذار بخواهد این پیام را منتقل کند که این حوزه برایم جدی است؛ اما در واقع، پیامی که به جامعه منتقل می‌شود، ابهت‌شکنی از جرایم سنگین است. به عبارت دیگر، اگر جزای نقدی آدم‌ربایی و کشف حجاب مشابه هم شود، بیش از آن که کشف حجاب را به جرمی سنگین تبدیل کند، آدم‌ربایی را به جرمی پیش‌پاافتاده تبدیل می‌کند. دادن اجازه رسمی و قانونی به اتباع غیرایرانی برای اظهار نظر درباره نحوه پوشش شهروندان ایرانی، ناقض استقلال فرهنگی کشور است که در اصل دوم و اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته و حتی در قالب بخشی از سوگندنامه رئیس‌جمهوری در اصل ۱۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است. همان‌طور که استقلال سیاسی به این معنا است که غیر از شهروند ایرانی کسی اجازه مداخله در تصمیم‌گیری برای کشور و سرنوشت شهروندانش را ندارد، استقلال فرهنگی نیز به این معنا است که غیرایرانیان اجازه مداخله در امور فرهنگی از جمله پوشش ایرانیان را ندارند.

نتیجه

حجاب و عفاف تضمین‌کننده امنیت و آرامش زنان در تعاملات اجتماعی و ایجادکننده جامعه‌ای سالم و متعادل است. در مسئله حجاب سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول آن است که حجاب امری مربوط به زمان گذشته است و امروزه هیچ دلیل منطقی برای الزام بانوان به حجاب وجود ندارد. در دیدگاه دوم حجاب یک واجب شرعی است و باید در جامعه رعایت شود، اما دولت نمی‌تواند زنان را ملزم به رعایت حجاب کند و با زنان بدحجاب نباید برخورد قهرآمیز صورت بگیرد. بلکه باید با زمینه‌سازی و هدایت، زنان را متقاعد نمود که خودشان حجاب را انتخاب کنند. دیدگاه سوم این است که نظام اسلامی علاوه بر زمینه‌سازی و تشویق به امر حجاب در صورت نیاز می‌تواند از قوه قهریه نیز استفاده کند و با استفاده از ابزار تنبیه و تعزیر جلوی متخلفان و زیرپانهندگان این واجب شرعی و قانون الهی را بگیرد که تصویب قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳ مؤید این دیدگاه است.

بنابراین، نظام اسلامی مسئولیت زمینه‌سازی (فرهنگ‌سازی)، سیاست‌گذاری، قانونگذاری و اجرای همه احکام اسلامی از جمله حجاب، عفاف، نظارت بر حسن اجرای قوانین و اعمال ضمانت اجرای لازم را در جامعه دارد که این مهم جز با ارائه ساختاری نظام‌مند از مسئله حجاب در دولت و ترسیم مرزهای معرفتی و بینشی حاکم بر نظام فقهی در حوزه حجاب، میسر نخواهد بود.

پیشنهاد

در این راستا پیشنهادهایی ارائه می‌گردد: اول- در اولویت قراردادن موضوع حجاب و عفاف در برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی کشور برای مقابله با روند فزاینده بدحجابی. دوم- نظارت بر رعایت حریم حجاب و عفاف در سازمان‌های دولتی و عمومی و نظارت و تأکید بر ضرورت رعایت سادگی و پوشش و فرم‌های اسلامی و حضور ساده و بی‌آرایش در محیط کار به دلیل تأثیر منفی بر مراجعان. سوم- ابلاغ روش‌های اجرایی و تعیین ضوابط و هنجارهای روشن در مورد نوع لباس و پوشش افراد در بخش‌های رسمی و اداری کشور. چهارم- وضع قوانین و مقررات لازم برای اصلاح وضعیت پوشش در جامعه. پنجم- گسترش و تقویت مراجع قانونی برای ترویج پوشش اسلامی در جامعه. ششم- واگذار کردن پیشگیری از وقوع بدحجابی و بی‌حجابی به سازمان‌های مردم‌نهاد. البته اگر پیشگیری از این قبیل جرایم صرفاً در دست دولتمردان و دستگاه قضایی باشد، نمی‌تواند کارایی لازم را در این زمینه داشته باشد، بلکه به نظر

می‌رسد واگذاری چنین امر مهمی به سازمان‌های مردم نهاد که انگیزه بیشتری برای کمک به هم‌نوعان خود دارند مفیدتر است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- زراعت، عباس، ۱۳۸۲، **شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات با تجدیدنظر و اصلاحات**، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.

- شکوری، محمد، ۱۳۹۰، «حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب»، **مجله فرهنگ**، شماره ۹.

- علیمردی، مهناز و علیمردی، محمد مهدی، ۱۳۸۹، «حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت»، **مجله معرفت ادیان**، شماره ۳.

- فلاح تفتی، فاطمه، ۱۳۹۳، **بررسی فقهی حقوقی مسئولیت حکومت اسلامی در حوزه حجاب و عفت عمومی**، رساله دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم.

- مقدم، ابراهیم، ۱۳۹۶، «نقد و بررسی جرم انگاری بدحجابی در مقررات کیفری ایران»، **فصلنامه دانش انتظامی خوزستان**، شماره ۱۸.

- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، **تفسیر نمونه**، چاپ اول، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

- نصرتی، مهدی و عالمی بکناش، حسن، ۱۳۹۵، «حجاب؛ ثمره عفاف (مطالعه موردی نگاهی به مقوله حجاب و عفاف در فضای مجازی)»، **مجله میان رشته‌ای زندگی ناب**، شماره ۵.

عربی

- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ق، **تذکره الفقهاء**، قم، انتشارات مؤسسه آل البیت (ع).

- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۸ق، **المبسوط فی فقه الامامیه**، چاپ دوم، تهران، المطبعة المرتضویه.

An Analysis of Key Changes in UCP 500 Compared to UCP 600

Homayoun Mafi, Sodabeh Asadian

Judicial Justice in Islamic Criminal Laws

Abolfath Khaleghi, Maryam Khalil Dokht

The Effects of the Pandemic on the Expansion of Terrorism

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudi Far

Female Victimization Within the Family: Strategies and Foundations for Criminal Protection

Sayyed Alireza Mirkamali, Zahra Mahmoudi, Omid Zeynali

Challenges and Strategies for Implementing Hijab and Chastity

Mahmoud Habibi Tabar, Narges Zandi Aliabadi

Criticism of the Regulations of Article 3 of the Law on the Obligation to Officially Register Real Estate Transactions

Kousar Nazari, Ebrahim Yaghouti

A Comparative Study of the Principle of Good Faith in Iranian and French Law Based on the 2016 Reforms

akbar azimi

Recognition of the Right to the Environment in the Light of International Documents and Judicial Procedures

Mona Davanlou

Reflection on the Trend of Artificial Intelligence in Crime Prevention

Ali Najafi, Sayyed Mohsen Mousavi Far

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Abolhasan Jannati, Zainab Hashemi Baghi

A Comparative Critique and Analysis of the Nature of Smart Contracts in the Legal Systems of Iran and the United States of America

Amal Solimani, Maryam Eskandari

Comparative Analysis of the Crime of Aggressive Possession of Movable Property in Iranian and English Law:

Principles, Elements and Enforcement Guarantees

Amir Mohammad Mahrokh, Saeid Babaei

Peace Within Iran's Laws, a Comparative Analysis with Other Ways of Dispute Resolution

Mohammadbagher Parsa Pour, Azam Lotfi Neyestanek

Legal Effects and Consequences of Invoking the Rule of Necessity in International Law

Sayyed Mohammad Pedram Bathaei

Analysis of Crimes Related to Speculation Iranian and French Criminal Law

Vahid Kioumars

Comparative Study of Damage Caused by Damage in Iranian Law and International Sale of Goods Convention

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani

A Comparative Analysis of Unilateral Sanctions and Security Council Sanctions: Legal Analysis and Extraterritorial Implications

Sayyed Foad Alavi, Ali Taghi Zadeh, Mohammad Javad Ghasabi Fard

Crimes and Accidents Arising from Work in Iranian and French Law

Sima Soudagar

The Legal Status of the Use of Chemical Weapons by Iraq Against Iran from the Perspective of International Law

Sara Farzadi Mehr, Mojtaba Nazif, Qasim Moghadamian, Esmaeil Amouri

Criminal Policy Alternatives to Imprisonment in Crimes of the United States Armed Forces

Amirhasan Abolhasani, Sayyed Yahya Alavi, Elham Zare

Contract for the Carriage of Goods in the Legal Systems of Iran and France

Mahshid Sadat Tabaei, Fahimeh Taherloo

Establishing Rules of Artificial Intelligence in Combating Money Laundering and Asset Recovery

Ali Moyed Ahmadi, Amirreza Mahmoudi

Ownership of Mars from the Perspective of the 1967 Outer Space Treaty: Legal Analysis of Conflicts and Solutions

Mahdi Gharedaqui

Analysis of the Iranian Legislator's Criminal Policy Against Terrorist Crimes: Challenges and Solutions

Mostafa Rezaei

Conflict of Principles Governing Urban Lands with Property Rights in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghighyeghi, Farzin Yazdan Panah, Hamidreza Konari Zhadeh

A Jurisprudential-Legal Analysis of the Non-Enforceability of the Wife's Right to Divorce Clause in Marriage Contracts

Vahid Parsaei Daadras

The Position of Contract Interpretation in the Iranian Legal System

Aslan Alizadeh, Esmaeil Hoseini

Implementing the Decisions of the Court of Arbitration for Sport at the National Level

Sepideh Ahmadian Fard

Compensation for Personal Loss in Quasi-Crimes and its Examples in Criminal Laws: A Legal and Judicial Review

Meysam Hasani Zadeh

A Jurisprudential and Legal Study of Artificial Insemination in Iran

Fatemeh Moezzi, Hanieh Akbari, Hadi Rousta